

توطئه علیه فدائیان خلق محکوم است

در کمبری که امیرالاسلم، سوطانادی آتکار و نهان حوس سلطه خود راهمجان حفظ کرده است، و آتکار و نهان بر علیه بوده های ستم دنده و توطئه میکنند، درجائی که سادهای مزدور واسه سه ساواک و امیرالاسلم (نظر مناده موب) آزادانه مفاع طق را مورد تجاوز فرار میدهد، و درحالی که بسیاری از مدانقلابیون، در حال توطئه بر علیه خلق های ما و نیروهای واقعی انقلاب هستند، از نظر سرمایه داری حاکم و همدستان وی گویا که جرک های فدائی خلق، به عنوان یک سازمان ساسی - نظامی که سالها بر علیه رژیم شاه خائن سبرد کرده است، حسی داشتن سلاج ندارد. بیرون خنای ستمکاران این صفحه ۳

گزارشی از: مبارزات
روستائیان رزمنده های الك (نهلك)
از: هسته ای آرمان زحمتکشان صفحه ۶

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه چهارم شرمه ۱۳۵۸ بها: ۱۵ ریال

وصفی از یک اپیدمی روشنفکران
صفحه ۳

مبارزات کارگران بیکار آمریکا
صفحه ۴

اخبار کارگری
گزارشی از خرمشهر، اعتصاب کارگران
شرکت ایران ترمینال صفحه ۸

ادامه خیانت های نهرانی جلاد

سرمایه داری حاکم و همدستان آنصار طلب و تنگ نظرش هر روز که میگذرد با ممانعت بیشتر از پیشرفت انقلاب، و با حرکت در جهت عکس آن سراز بی سیمای واقعی خویش را نشان میدهند. اما براساسی چرا آنها محوروند در مقابل زحمت کشان ناستند؟ چرا آنها مجبورند بجای کارگر، سرمایه دار، بجای دهقان، زمیندار، بجای شیوه دموکراتیک، زور و قلدری... را انتخاب کنند؟ جواب این سوال روشن است. زیرا که ادامه انقلاب، تضمین دمکراسی، و وارد آمدن ضربات بیشتر بر امپریالیسم و ارتجاع موجود است خود آنها را در معرض خطر جدی فرار منهد. و روشن است زمانیکه آنها برای وارد آوردن ضربه به ارتجاع نمیتوانند مسئله ارضی را حل کنند پس باید که نقش همدست زحمتکاران بزرگ و اربابها را بازی کنند، زمانی که آنها نمیتوانند درد کارگر را علاج کنند، پس بیشتر خود سرمایه داران میشوند، موقعیکه از حل مسئله خلقها عاجزند، پس بار سراز مرتجع عشایر و قبیاده موقت و... میگردند. آنها هنگامیکه نمیتوانند آزادی و عدالت را در تلویزیون و مطبوعات خویش رعایت کنند، پس به ورطه اختناق و حلیات می افتند... به عباد دیگر آنها را با بودی کامل سیستم کهنه گذشته عاجزند و نمیتوانند سیستم مانی را که مورد درخواست واقعی زحمتکشان و توده های ستمدیده است، به وجود آورند، سانی براسی مجبورند که به

از قیام بهمی ماه تاکنون، میوه جینان انقلاب منمه کاره خلقهای ما تلاتی وسیع و همه حاسه ای را برای به انحراف کشاندن ثمت مبارزه توده های ستمدیده ما به عمل آورده اند. آنها تلاتی میکنند که به خلقهای ما چنین و آسود سازند که "صد انقلاب" و "صد انقلابی" نه سرمایه داران فراری و نه لاجوردیها و حاج برخوردارها که راحت در این کشور به استثمار خود ادامه میدهند بلکه کارگران حق طلب و بیکار گرسنه ای هستند که حقوق عادلانه خویش را میخواهند. آنها از زمینداران بزرگ و ارباب های جنایت کار که هجتان به غارت و ستم خود ادامه دهند پشتیبانی میکنند ولی در عوض دهقانان حق طلبی را که به تصاحب زمین های این جنایتکاران پرداخته اند، غاصب و اخلالگر و فدا نقلابیون معرفی میکنند. آنها شبانه روز و هیستریک وار میگویند تا سه شوه ها بقبولانند که جامعه ما نه بر اساس طبقات دارا و ندار و نه بر اساس وجود زوالوهای که خون مردم زحمتکش و شمره دسترنج آنها را میمکنند، از یک سو، و توده های ستمدیده و زحمتکش از جانب دیگر، بلکه بر اساس مذهبی ها و غیر مذهبی ها تکلیف گرفته است. آنها کوشش میکنند که به توده ها چنین تعمیم سارند که دشمنان واقعی آنها، نه امپریالیسم آمریکا، نه شرکت های عارتگر نفت و غیره و نه سازمان های توطئه گر نظیر سا، بلکه نیروهای مارکسیست، لنینیست هستند.

مراسم گرامی داشت سالروز شهادت سعید (حامد) معینی

روز پنجشنبه ۳۱ خرداد، اولین سالگرد شهادت رفیق سعید معینی، برادر شهید سلیمان و عبدالله معینی، در مهتاب بزرگوار شه در این مراسم اشعار و مقالاتی در نادیب او خوانده شد. بدر و خواهر "سعید" در این مراسم سخنانی ایراد کردند. پیام سازمان انقلابی زحمتکشان، جمعیت های کردستان، جرکهای فدائی خلق شاخه کردستان و چندین گروه دیگر نیز در این مراسم خوانده شد. سعید در سال ۱۳۲۹ در سر مهتاب منولد شد و تحصیلات خود را تا درجه دیپلم در این شهر ادامه داد. آنگاه برای ادامه تحصیل راهی نهران گشت و در نوسه عالی آمار و انفورماتیک پذیرفته شد. سعید که از کودکی در کوروا ن مسائل سیاسی بود و شهادت برادرش تا نیر ژرفی در روحیه و شخصیتش گذارده بود، در دوران دانشجویی خود، پس از پیش با مسائل سیاسی آشنا گشت. او در سال ۱۳۵۰ با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان آشنا میشود و در سال ۵۴ در یک سرخوردن باغی دستگیر شده و سه سال زندان محکوم میگردد.

رفیق سعید معینی بر آزادی از زندان در رابطه با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان شروع به فعالیت میکند و ستوان یک ما موربت سازمانی به کردستان عراق میروند تا در جوار همزمان بيشتر که مبارزه ادامه دهد در این دوران در یک درگیری مسلحانه با ما مورس رژیم فاشیستی سعت. رفیق به شهادت میرسد. گرامی با داخل طره شهیدان بحون حقیقه خلق

تجاوز به حریم آزادی درسنگ آزادی

ساریدرک فاشیسم جیره خور خود را در روز جمعه گذشته در دانشگاه تهران به نمایش گذاشت: با خنوت تمام به هرازان بفر که به دعوت "جبهه دموکراتیک ملی ایران" در دانشگاه گرد آمده بودند حمله شد. و این بار وحشانه تر، آنها را بلاکاردها را پاره کرد، سم بلندگوها را قطع کرد، و با سگنه محیب و هشتگرداننده سینگ هجوم بردند و آنها را زخمی کردند و... به آنها اجازه سحرانی داده شد ولی آنان سگ نظرسر و انحصار طلب بر اراس حریفها بودند... بخصوص که این بار سستان گرم بر بود. ریرا که علناسور حلوگری اراحمنا غانی نظیر اس در دانشگاه داده شده بود. سرمایه داری حاکم از این اعمال فلنا خرسد است. او بدرستی میداند که اس اعمال در خدمت نیست است. ساراسی به کسانی که از سداحصار طلبان به وی شکایت میکنند یک سس حید میرد! ولی علیه های سم دنده ما و تمام نیروهای که در راه آزادی و استقلال مهنی گام برمیدارند در هرادنه اس جنسی سسر می آمورد که چهره واقعی هشت حاکمه را به در کینارهای نظیر اس و فرسیده اس بلکه در کردار او ناند پسند. آنچه در روز جمعه اتفاق افتاد سنی اعمال قلدری یک منت عناصر سگوک و انحصار طلب بود بلکه سبران و جدرک سوه حسان انقلاب آزادی سیر بود.

تاریخ قضاوت خود را کرده است

در مورد تاهور بحسار و خناتن سبه مردم ایران تاریخ قضاوت خود را کرده است. و آقای حسینی عضو کمیته احراشی جبهه ملی ایران سبهوده منکوسد آب شطهر سزوی اعمال خناتکارانه بحسار در هنگام سدارش سزیرد. اسکله آقای حسینی به بیسته بحسار و ستر به "حسن نیت" او اسناد میکند، اسکله اسان کوش میکند بقن او را در فصل عام های سمدت سوسط اربن سزیرد و کاردهای ریکارگ انکار سانسد، در واسیبنا م. که همانا حاسن بحسار به سزیرد خدمتن به امپریالیسم است تعییری سمدد. بحسار در زمانیکه خلقهای مبارز ما یکمدا فریاد "مرگ سزیرد" را سزیرده بودند و زمانی که پسا امپریالیسم آمریکا از سسر سب انقلاب ایران به لیره در آمده بود، و در هنگامیکه بوده های خلق ما "قانون اساسی" کهنه نده را به عنوان توحه گر رژیم فاسد شاهاهی و بقای "سلطنت" نکس، با دسه های سزیرد خود مجاله کرده و در رباله دانی تاریخ می افکند، آری در حنن سزیرد بحسار سزیرل و مردد، بحساری که همچون دیگر یاراس سب سبگاه نتوانسته بود سطور اسوار در حجاج انقلاب فرار سزیرد، بلکه گاهی در سزیرد و گاهی در آسزیرد بود، اس بار با طغانه و سزیرد همسه به حجاج امپریالیسم و سرمایه داری واسسه

پیش بسوی ایحاد حزب طبقه کارگر

گرامی باد خاطره رفیق شهید:



غلامحسین صاحب‌اختیاری

اسکه ار شهدای بشمار خلق، از آنان که جان خویش را در راه راهائی زحمتکشان گذاردند و خون جوش را و نیتقه بهروزی کارگران و دهانان و دیگر ستمدیدگان نمودند یاد کنیم، امری عادی است. از آنان بجلیل میکنیم، از آنان الهام می‌گیریم و با پشتوانه مبارزات پرشور و بیگرم‌مان راه آزادی را مصمانه مستکافم و جلو مبرویم. ارساح میکوشد بن شهدای گرامی خلق ستمیض فائل شود، از بزردن نام شهدای خلق که زیر لوای مذهب مبارزه نمیکرده‌اند آبا و حتی وحشت‌دارد. مغرمانه و از سر ناسیاسی مبارزات جنگی ناپذیری را که در سالهای ساه حفغان - آروز که خودشان سر در لاک فرو سزده نه بدهد و دعا دلخون کرده بودند - به مبارزه می‌امان با رژیم سفاک شاه میروداختند، بهیچ میگردند. اما اس امر برای کمونسسها، برای رزمندگان این راستین طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، ععبت نیست. کمونسسها خود به این سخن انقلابی برگر فون بسنتم، رفیق هوشی من باور دارند که گفت:

"سین طغهای نعتسم و اسنمار ار بکطرف و امیرالسسها ار سوی دیگر حدمی عظیم خود دارد که ناند نا حاکنتر کمونسسها بسرود. کمونسسها ار اس وطبقه سهمکن و در عس حال سرنسی که سدوس دارند، نا آفوسبار استعمال میکند."

رفیق شهید غلامحسین صاحب‌اختیاری دانشجووی دانشگاه صنعتی بود. در سال ۱۳۵۴ در ادامه مبارزات انقلابی به زندگی مخفی پیوست. رفیق در ساخه مشهد بخش منسب (م.ل) سازمان مجاهدین خلق اسران فعالیت مبرکرد. در ۱۷ فروردین ماه ۵۵ در فلکه حسرم (در مشهد) بوسله عمال جنایتکار ساواک دستگیر شد. او در زیر شکنجه وحشانه ساواک و دست نشانندگان امیرالسسما آمریکا قرار گرفت و در دوم تیرماه همان سال شهیدت رسید.

خاطره رشادتهای او دیگر رفقای شهید که همگام با رزم آوران انقلابی بشمار خلق ما و سرانجام قیامهای سراسری توده ای و قیام بهمن ماه پایه های رژیم ددمنش شاه را نه لوره درآورده ار جا کنندند برای همیشه گرامی خواهد ماند.

محمد رضا سعادت، محمد جواد حاتمی، شبیر معیل و ناصر حیاتی را آزاد کنید!

گزارش تحصن... ادامه از صفحه ۸

کارگران در درجه اول بایستی که خود را متشکل سازند یعنی بر نیروی خود اتکا کنند. یعنی اول سندیکای خود را بسازند و خواستههای خود را در دستور فعالیت‌های این سندیکا قرار دهند. از این صوبه اولاً فشاری تری به کارفرما وارد میشود و از ثنرت بر اتحاد و قدرت کارگران افزوده میشود. از طرف دیگر کارگران میتوانند باید که در درجه اول از طریق تمار با تکل های دیگر کارگری خواستههای خود را در سبب حقیق کارگر منسج ساخته و پشتیبانی آنها را جلب کنند.

آ مسئله اخراج و بیکاری چیزی است که همیشه کارگران را تهدید میکند و متکل امروز و فردای کارگران نیست. از اینرو کارگران بایستی به رسمیت شناخته شدن حق بیکاری را که از حقوق مسلم خودشان میباشد در سمر لوحه فعالیت‌های خود قرار دهند و بر روز تحقق این امر تاکید کنند. کاری که کارگران ویلیم برادر زرتکزه اند و فقط به بازگشت کارگران اخراجی (که کار در سبب است) اتکا کرده اند.

ادامه خیانت... ادامه از صفحه اول

عناصر و نهادهای کهنه و ارجاعی گذشته بناه سیرند. و به باسدار آخه از سیستم کهنه باقی مانده است، بدل شوند. در من چنین واقعیتی است که اهداف مورد نظر از دادگاه تهرانی جلد و آرش درخیم نوحه میگردد. و بناه بردن به یک مکنجه گر و به بیک جلد و یک درخیم آربامیری - از جانب گردانندگان این نمایش تهوع آور تلویزیونی - معنای واقعی خود را پیدا میکنند.

اگرچه جریان این دادگاه اوح فضاخت و تهوع در زمینه مبارزه با انقلابیون و بخصوص مارکسیست - لنینست های واقعی است، اما از کسانی که بر ساقی ماندن بسبب کهنه و تفویض نظر دارند، این عمل غیر قابل انتظار نیست، کسانی که از خنای ها و رماشی ها دعوت میکنند که با کمال آسودگی به اسران برگردند، و به آنها قول مدهند که جان و مالشان در امان است. کسانی که به لاجوردی ها اجازه ادامه استنمار و ستم به کارگران و خلقی ایران را میدهند، باید هم که به تهرانی جلد ایس خادم صادی و باسدار منافع همس لاجوردی ها و خنای ها و رفاشی ها، فرستادامه حسات در بوش جدیسه بدهند و باید هم که از تهرانی دعوت کنند تا در یک شو تلویزیونی به لکه‌دار کردن حسیت انقلابیون و راستین سیرازده و در واقع اعمال گذشته خود را ادامه دهند...

اما از نظر توده های آگاه و ستمدیده ما این اولین اقدام و تسلیم رذیله، علسه سیروهای انقلابی راستین و مارکسیست - لنینست ها نبوده و مسلماً آخرین آنها نیز نخواهد بود. در این زمینه فیسلا توطئه جنایتکاری نظیر ثابتی که (پس از قیام بهمن ماه) در پی وجود آوردن درگیری بسن نیروهای مذهبی و مارکسیست و سپس راه انداختن حمام خون بر علسه مارکسیست ها هستند بر ملا شده است. سرهنگ نوکلی معلوم الحال بخاطر افشای توطئه سرکوسی نیروهای جب و سرسردگی به رژیم سابق اجباراً از جانب "دولت موقت" کنار گذاشته شد.

حمله به مراکز فدائیان و مجاهدین، دستگیری ۴۲ فدائی (و سپس آزادی ۴۱ تن آنها)، آتسبب زدن کتابخانه ها و کتاب های علمی به وجوه آوردن مجایعی نظیر ذغال شدن کمال، کودک شوشتری، حمله به تظاهرات نیروهای انقلابی و منترقی... همه و همه در این رابطه اتفاق افتاده است.

بدین ترتیب ما سرفد کمونسیتی و فد انقلابی تهرانی، همان خط و همان هدفی را دنبال میکرد که قبل از این با نمونه هائی از آن آشنا داشتیم، برای استنکار تهرانی بلافاصله با "انقلاب سلامی" اعلام همسنگی کرد - چری که امروز از جاسب حائسبب و مزدوران رواج دارد - و با زرنگی تمام به با پلوسی ار گردانندگان امور پرداخت. اما چهره تهرانی جلد کشف تر و متعفن تر از آن بود که گردانندگان سیاست های فوق الذکر به همس سادگی بتوانند از وی در این زمینه استفاده کنند. بنا بر این لازم نبود نخستاری وی جهسه یک عنصر "صادق" و کسی که گویا بخاطر مردم همه حیز را میگوید و از بسیاری جنایات برده برمی دارد و... ساخته بشود به همس لحاظ بود که تهرانی درخیم در محابه و جلسات دادگاه نخست تلالن میکرد چه راهی براستی نادم! و مادی به انقلاب از خود سازد. او تلالن میکرد با انگشت گذاشتن بر احساسات مذهبی خلق چنین وانمود کند که نه آنچه آنها مو من هستند او نیز ایمان آورده است! و از کارهای قبلی خود نادم است. او چنین وانمود میکرد که دارد، تمام اطلاعات خود و تمام آنچه را میداند در اختیار دادگاه و مردم میگذارد. ولی واقبت ها چه بود؟ آیا تهرانی بیشتر از آنچه در پرونده ها و صورت جلسات موجود است، در باره جنایات دستگاه جهمی ساواک و خود حرف زد؟ آیا تهرانی در مورد جنایتهای ساواک سببشتر از آنچه در سبب های زندانیان خود سیبب است، کلامی بر زبان آورد؟ و همانطور که خود تهرانی جلد اشاره میکرد، بر اساس برونده های موجود، اکیب های شرکت کننده در هر دستگیری و کشتار خبانی انقلابیون و افراد آن منحص و معلوم است، شکنجه گران و بازجویان، تمام انقلابیوسی که شکنجه شده، نفس عضو پیدا کرده و با در ربر شکنجه به شهادت رسیده اند، نیز معلوم اسدو آنچه که برونده ها ساکاس، زندانیان سیاسی می توانند اکثر حقائق را روشن سازند... در این مسان جنایات و مجاع تهرانی بسببتر از همه روشن سوده

است. همه زندانیان سیاسی میدانشند و برونده هسای موجود نشان میدهد که تهرانی در کدام عملیات شرکت داش، عامل کدام نازجوئی و شکنجه بوده و حکسای بدسنا و شربت شهادت نوشده اند. بنا بر این تهرانی جلد از این سابت سنا تارهای دسناش بگوید.

تاری تهرانی در پی تلالن برای ساحن چهره ای سادم و بسمنان از خود... هدف اصلی خود و گردانند - گان اس سابس خائنانه را به اجراء در آورد. او رذیله مکنوشد تا سارو و تحریف و جعل قساق، شخصیت انقلابیونی را که بدستوی و باران جلدش به شهادت رسده اند، لوت کند. او به هیوجوه شکنجه های حیوانی خود را آتحنان که بود ترسسم نکرد، او به هیوجوه به کم و کف شکنجه هس، آتطور که واقعا بود اشاره نکرد، در عوض سیمسای انقلابیون واقعی را آتحنان ترسیم مکرر که گویا للافاصله بس از دستگیری همه چیز را لو مصادند! او به مقاومت های حماسه آفرین فدائیان سبب سکل اشاره نکرد، او هیوجوت نگفت که این دلوران آن - چنان رژیم شاه خائنان را به هراس انداخته سوندند که حتی بدون تشکیل دادگاه هسای فرماشی تبرباران شدند. اما تلالن کرد که چنین وانمود سازه که شهیدای سبب هس همه چیز را به آسانی لو دادند تا عسش فدای کمونسیت ها و دشمنان فدائی ها را رفع نماید.

او از مقاومت ها و تلالشهای فداکارانه انقلابیون مارکسیست - لنینست حرف نزد بلکه تلالن کرد که چهره آتنان را با دسبازی به شرهات و دروغ و تهمت ملوت

هدف صحنه گردانان دادگاه:
کوبیدن انقلابیون و سازمانهای انقلابی
شوتلویزیونی تهرانی، ادامه اعمال گذشته وی بود
وقتی يك درخيم صادق می شود،
طبقه ما در مجاهد اخلاک گر خواهد شد!

سازد.

او از فداکاری و جانسازي دورس ها، رفاشی ها، سبحان الهی ها، صاحب اختیاری ها و... کلامی بر زبان سناورد ولی کوشش کرد تا به خواست گردانندگان این صحنه برای کوبیدن سازمان بیکار جواب دهد.

اما تهرانی جلد باید هم که این تحریفات را بر زبان آورد، باید هم که جنس کینه توزانه به انقلابیون کمونسستی تاخت. او کسار تارهای نکرد، زیرا راه فعلی او ادامه همان راه قبلی اش بود. حرف هائی که او در دادگاه بر علیه سازمان بیکار و سازمان چریکهای فدائی خلق بر زبان آورد، ادامه همان کینه وری و خصومت یک جلد به انقلابیون راستین بود. دروغ و تهمت هائی که او در مسورد ما و رفقای فدائی بر زبان آورد، ادامه همان دروغ و تهمت های رژیم شاه جلد بود که سبب از این سز بارها و بارها از شبکه رادیو تلویزیونی رژیم شاه ارائه شده بود. و ما در مورد آنها توضحات خود را مدت هاست که به خلق داده ایم (*).

آری اگر دیروز این تهمت ها و حملات نا جوانمر - داسه از جانب رژیم شاه خائنان علم میشد، اگر دیروز این شاه خائنان بود که از ترورهای فد انقلابی کسه صورت گرفته و ما با آن مرزسندی کرده ایم حرف میزد، و از آن جماف سرکوب نیلیغاتی سر علیه انقلابیون میساخت، امروز بزدلان و تسلیم طلبانی که تا دیروز از نرس مقابله با رژیم شاه در خارج کشور براحتی زندگی میکردند و با تسلیم طلبان و محافظه کارانی که شاهد ساکت، و نظاره گر جنایات رژیم بودند، این رسال را به عهده گرفته اند. و جالب است کسانی از ترور محکوم و فد انقلابی مجاهدین شهید شهید شریف واقفی و صدیه لناف سو استفاده کرده و از آن پیراهن عثمان ساخته بدست تهرانی جلد می دهند که همین امروز ساران این مجاهدین را به زندان می افکنند و آنها را شکنجه میدهند، برای آنها با بسبب درست میکنند تا بلکه سازمان آنها را بدنام سازند. امروز کسانی سگ شریف واقفی را از طرس تهرانی نه سنه میزند که در دادگاه همس

(*)- ما در اطلاعیه نوصبی همراه ۵۷، اطلاعیه سوصبی سارمان سکار، بطراص دبراره محولات دروسی سارمان مجاهدین خلق اسران طی سالهای ۵۲-۵۴ به نصل مواع خود را در مورد استنقادات و احرامات دروسی منسب سازمانها هسین اعلام کرده ام.

مبارزات کارگران بیکار در آمریکا

● رونامه‌های دولتی کارگران حق طلب را یانگی معرفی می‌کند

● در محله‌های کارگری شوراهای محلی کارگران تشکیل شد

هنستند که تا مین‌ردگی و کار می‌خواهند . دولت مجبور شد برای اینکه کار بیشتر نالا بگیرد نمه مائی اتخاذ کند . عده‌ای از نمایندگان مجلس که همگی سرمایه‌دار بودند می - گفتند که باید نظا هرکنندگان را سرکوب کرد . ناید کارگران مبارز را مستعصب ، دستگیر و جنسی ترور نمود . ولی عده‌ای هم می‌گفتند که این کار کارگران ، بیشتر عصابی میکند و ناید سازمانهای کمک و مددکاری درست کرد تا سروصدای کارگران بخوابد و چیز بیشتری نخواهد . سرمایه‌داران مجبور به عقب‌نشینی شدند و کارگسگران بیکار به قدم اول پیروزی نزدیک شدند . در محله‌های کارگری شوراهای محلی کارگران تشکیل شده که رهبری آنها در دست شورای مرکزی بیکاران (حزب کمونیست) بود . یکی از مهمترین وظایف این شوراها در این مرحله جلوگیری از بیرون راندن بی حیزان از خانه هایشان بود . ساکنان محله های کارگری که سوسله شورای بیکاران رهبری می‌شدند ، غالباً بعد از زودجوردی با پلیس دوباره اسباب و اثاثیه‌ای را که ماحیانه‌ها با بیرحمی بیرون ریخته بودند جمع کرده‌وسه خانه هایشان باز - می‌گشتند . در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) بیکاران تظا هراتی در شهر شکاگو ترتیب دادند و خواستهای زیر را اعلام کردند :

ملعی در حدود ۵۳ سومان در هر هفته برای هر خانواده دو بفری (اس ملع در آن زمان حداقل خرج یک خانواده را در همه نامس میکرد) و سهم کاسی برای خانواده‌های برحمتت تر ، جلوگیری از بیرون راندن مساحران ، کار محاسی ، آم‌محاسی ، بفری و دعال محاسی ، که وعده عدا ی کرم برای کودکان در مدرسه و اوسوس رصو آمد راگان برای آنها . در طی تظا هرات و راه پسمائی ها ، کارگران می - می‌شدند که فقط سوسله اتحاد و همبستگی می‌شدند از گرسنگی نجات پیدا کنند . نمایندگان مجلس و سرمایه - داران به پسمائی های خود علیه کارگران اقدام کرده می‌دادند . یکی از نمایندگان در نامه‌ای به مجسمع فدراسون کارگری که یک سازمان قلابی بود و سر - مداران برای مخرف کردن مبارزات کارگران آنها ایجاد کرده بودند نوشت : " بروی " سوسر گرسگان " نه تنها در مراکز محرو و براه‌کنده بلکه در تمام مناطق صعیی اوج خواهد گرفت " . مبارزات کارگران بیکار پیه‌وسه در ناسان و پائیر سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) بحون کشیده شد . در مرداد ماه سه کارگر در برخورد با پلیس شکاگو جان خود را از دست دادند . بیست‌از یکصد هزار نفر کارگر در شیب‌جنازه آنان شرکت کردند . دو ماه بعد دو کارگر دیگر در کلبولند نه وسيله پلیس کشته شدند و جمعیتی در حدود ۳۰۰۰۰ نفر اجساد آنها را نا قبرستان شیب‌ج کردند . در همین ایام گرسگان بیک راه پسمائی بزرگ ترتیب دادند . ستونهائی از راه‌پیمایان از شهرهای مختلف بطرف پایتخت براه افتادند . اخبار اسن حرکت مثل بمب در واشنگتن صدا کرد . روزنامه های دولتی با بیشرمی و با شیطراهای درشت‌نوشتند : " سنوسهائی از یغیان بطرف پایتخت در حرکتند " . سخنگوی رئیس جمهوری پیشنهاد کرد که تصمات فوری احتیاطی برای مقابله با راه پیمایان اتخاذ شود . دولت اعلام کرد که نمایندگان کارگران بیکار را نخواهد پذیرفت و پلیس

در سال ۱۹۲۹ میلادی مطابق با ۱۳۰۸ هـ . ش . یعنی ۵۰ سال پس بحران اقتصادی در کسور آمریکا شروع شد ، نولیداد بیشتر کارخانجات به صف و حتی در برخی کار - خانجات به یک سنج اولس رسید . کارفرمایان شروع به اخراج کارگران کردند .

خلوی بیشتر کارخانه ها شوشه بودند " کارگرمی - خواهم " . در عرض یکسال تعداد بیکاران از ۴۹۲ / ۰۰۰ نفر به حدود ۴/۵۰۰/۰۰۰ نفر یعنی چهار و نیم میلیون نفر رسد . بیشتر فریاسان این بحران اقتصادی ، کار - گران ساده بودند ، در یک سهر صعیی حدود ۴۰٪ بفری فعال سهر بیکار بود . کارفرمایان که مند شدند کارگر بیکار زیاد است شروع به کم کردن مرد کارگرانی که مشغول کار بودند کردند . هیچ کارگری به شبهای خواب اشتراکی کردن نداشت ، زیرا در استنورب اخراج مسند . کارگران حواسار تشکیل صدوی سبه بیکاری شدند . ولی رئیس جمهور و نمایندگان مجلس سا اعثائی به خواست کارگران بیکار نمی‌کردند ، آنها می‌گفتند سها مسئله و نگرانی حکومت ایجاد شرایط نمانسی برای رشد و توسعه مؤسبات خصوصی است ، باید به تجارت فرصت داده شود تا روی پای خود بایستد ، تا بدسوسله موقعیت میلیونها کارگر حفظ و حکیم یابد . اس حرف‌آنها به این معنی بود که بجای کمک مالی به کارگران گرسه دولت ناسند سرمایه بیشتری در اختیار سرمایه داران و تجار گذارد تا آنها بتوانند به استعمار کارگران بپردازند تا سبه این ترتیب سبه تنها وای به کارگران بپردازند بلکه سبه سرمایه‌داران امکان داده شود که ضرری را که در اثر بحران به سود آنها وارد آمده ، با سولی که دولت در اختیار آنها نگهدارد بحران کند . وضع کارگران روز به روز بدتر شد . خانواده‌های کارگری شروع به بفری لوازم و اثاثیه خانه کردند تا بتوانند شک های گرسه - شان را سیر کنند ، کمتر از نصف کارگران بیکاران در یکسازنداری دانسته که آتیم در حال ته کشیدن بود .

کارگران اجباراً به مؤسبات غیربه خصوصی و دهدهی روی مساورند ، اما این مؤسبات هم از درمان درد کارگران عاجز بودند . کودکان در اثر گرسنگی بسیار ضعیف شده بودند . بچه ها خاطر نداشتن کفش و لباس نمی‌توانستند به مدرسه بروند . آتو برق خانه کارگران خاطر نپرداختن پولش قطع میشد ، مردان از بفری و جوان نیسان جاده ریخته شوشه و در جستجوی کار از شهری سهر دیگر می‌رفتند ، و هر شب در سرف شکسته حدسی و اگر نسود زیر سقف آسمان مسخاوسند . اما اوضاع همه شهرها مثل هم بود و از کار بفری نبود . شکلهای جدیدی از دوره گردی رایج شد . زنان در اسر فقر به فساد و فحشاء کشیده می‌شدند و جوانان به دردی و کارهاشان را اس قبیل روی مساورند . زندگی از طریق گدائی مسداوم و روشهای موقتی (هرچه پس‌آید) رایج شده بود . وجود ارتش عظیم جنس میلیونی بیکاران به سرمایه - داران اجازه ممداد تا روز سروز دستمرد کارگران شاعل را با شینس بیاورسد . در سهار سال ۱۳۱۰ مساون و سروز بازگاشی آمریکا اعلام کرد که کاسه صر صنایع لبریز شده و با بستی صصوی کارگران کمتر نسود . سها این ترتیب فشار بحران بر دوش کارگران بیکار روشا عمل گذاشته می‌شد و همین امر به کارگران نشان میداد که منافع همه آنها مشترک است و باید با یکدیگر متحد شوند .

کم کم کارگران از اعتراضات پراکنده و بی نتیجه خسته شدند . و بلزوم اتحاد یکپارچه و اعتراضات و تظا هرات دسته جمعی بی بردند . حزب کمونیست آمریکا در این شرایط در سبانه‌های نخت عنوان " خواستهای جنبش بیکاری " مسائل زیر را مطرح کرد .

« خواستهای جنبش بیکاری »

در سال ۱۹۳۰ (سال ۱۳۰۹) با اینکه دستگاه دولت و سرمایه داران علیه کارگران نسلبغات زیادی می‌کردند ، ۱/۲۵۰/۰۰۰ کارگر بیکار در شهرهای صنعتی به خیابانها ریختند . در شهر نیویورک تظا هراتی با شرکت یکصد هزار نفر بر پا شد . که پلیس به آن " توطئه سرح " لقب داد و کارگران بیکار را که از گرسنگی به جان آمده بودند ، آشوب طلبیانی که از خارج دستور گرفته‌اند ، ناسند . میلیونها زحمتکش در تظا هرات شهرهای مختلف فریاد مزدندند " ما ماربه ما مرگار گرسگی " ، " ما کار با حی سبه بیکاری " . در بسیاری از شهرها پلیس به کارگران حمله کرد و عده زیادی را رجمی و دستگیر نمود ، کم کم مردم آمریکا متوجه شدند که بظا هرکنندگان نه آشوب طلبان خارجی و نه توطئه‌گران سرخ هستند ، بلکه کارگران بیکاری

سرای حدودی در بین سراسر آمریکا ، پس سراسر ضروری را بعمل خواهد آورد . پلیس ناسنج بجال آمده‌سان در آمد . ولی هیچک از اس اقدامات نتوانست اعصاب راه پسمائی ملی گرسگان را از سس بفری . سظا هراتی آنان عبارت بود از : فاسون سبه بیکاری ، صدوی کمک به کارگران ، هفت ساعت کار روزانه ، لغو حرمسه . ناسخ به حواسهای کشاورزان . راه پسمایان در تمام طول راه با همدردی و همبستگی مردم روبرو بودند . اهمیت اس راه پسمائی علاوه بر نسانه همبستگی کارگران در این بود که درخواست سبه بیکاری اولس بار شکلی انقلابی و وسع بیان مسند . صدها هزار نفر در ایس راه پسمائی شرکت کرده بودند و مرحله حدسی در جنبش کارگری آمریکا شروع شده بود . راه پسمائی و تظا هرات کارگران دولت را مجبور کرد تا بطور موقت سسب و تبرک را از سر دور کرده و با کمک به مبلغ ۹۰ میلیون دلار به کارگران موافقت کند . روزنامه ای نوشت : " علت سسب صعیی بحری نبود جز مسگره کرده مردم " البته گفته‌های فوق به این معنا نیست که دولت سرمایه - داران به خشونت دست نرسد . پلیس تا جایی که میتوانست از سبوری رور علیه عملیات منشل کارگران استفاده می‌کرد . هنگامیکه شورای بیکاران و اتحادیه گرسگان راه پسمائی بالا را سراه انداختند ، پلیس مارهم بفری توطئه چینی و حمله به آنها بود . ولی سبب دوداری و انصاط شرکت کنندگان و سازمان دهندگان راه پسمائی باعث شد که سرحوردهای خوشی بیست ناید . بحران ادامه داشت و سه همین علت کارگران نیز همچنان با بفری و بیکاری دست بگریبان بودند . در پائیر سال بعد دومس راه پسمائی ملی گرسگان در واشنگتن سوسله حزب کمونیست سازمان داده شد . اکثریت سازمان بیکاران در اس راه پسمائی شرکت کردند . خواستهای اصلی راه پسمایان عبارت بود از : کمک به بیکاران ، کمک به کشاورزانی که رر مسار اقتصادی سسند ، سبه بیکاری . پلیس ساختمان مجلس را محاصره کرد . آمبولانسها آمده بودند تا هر لحظه به جمع آوری مرده ها و زخمیها بپردازند . پلیس فرمان داده بود ، هیچ بیکار تظا هر کنندگان حق ندارد حتی یک قدم به راه سفید نزدیک شود . راه پیمایان به پایتخت رسیدند و راه پسمائی تا خلوی کاج رئیس جمهوری ادامه یافت . آنها با پای برهه در حای خود ایستاده بودند و لباس کهنه‌ای به تن داشتند ، آنها بدون کمترین استراحتی در راه و بدون خوردن غذای کافی مستقیماً به واشنگتن آمده بودند ، لکن ناسر بلندی موقی برسانند فریاد خود به گوش توده‌های وسع مردم شدند . فشار این مبارزات باعث شد که دولت لایحه تشکیل صدوی کمک به بیکاران را تصویب کند . تحت شرایط سخت زحمتکشان با اتحاد و مبارزه خود توانستند به هدفی اقتصادی هرچند ناخس دست یابند . این مبارزات به کارگران نشان داد که در اتحاد و همبستگی آنها سربویی نهفته است که سرمایه داران را به زانوس در مساورد . آنها توانستند قدم اول پیروزی را بر دارند .

از کتاب " مبارزات کارگری در آمریکا " سرمایه دار اسرایی کارگرایی را اسنمار می - کند ، سرمایه دار آمریکائی کارگر آمریکائی را سرمایه - دار فرانسوی کارگر فرانسوی را و ... و سرمایه دار جهانی کارگران جهان را .

کارگران جهان متحد شوند !

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات

تا که از روز ستمکار برآزند دم سار

به ارتجاع و امپریالیسم صادر شده اسو تاریخی تفاوت خود را مدتهاست نه فقط در مورد بختبار بلکه بسیاری دیگر از لیبرالها و نه اصطلاح لیبرالها نیز ، کرده است . مدتهاست که کوس رسوائی بزدلان نامه نگار به " اعلحضرت همایونی " چشم امید دوزندگان سبه " حقوق بشر " کارتری دسروز ، زده شده است و امروز کوشش برای سطر بختبار و ورشکستگی بیش از پیش همین لیبرالها را مسراند نه چیز دیگر را .

از انتشارات

جدید سازمان:

مبارزات دهفانی در اروپا

سپاهان بیکار در راه آزادی مشغول

ادامه از صفحه اول تاریخ ...

دمکراتیک و ضد امپریالیستی می‌بذول می داشتید تا " جو " دلخواه برای به ثمر رسیدن کوششهای سازشکارانه کل لیبرالها بوجود آید . تلاشهای سازشکارانه شما و دیگر لیبرالها در آرزوی نا آشنا بفرستند که امکان ملاقات بختبار با آیت‌الله خمینی و نوشتن نامه از جانب بختبار به ایشان نیز تا حد زیادی فراهم شد ولی بحرورد انقلابی امام (در این مورد) رشته های سما لیبرالها را پنبه کرد . آری شما و یساران لسرالتان در آنروزها با یک حاسوس سا (به قول خودمان) در باطن ، اینکارها را می‌کردند . ولی امروز گویا دیگر نیاری برای ادامه کمان و فرسکاری - های گذشته هم نسب . چرا که نه هم لیبرالها و نه بکت تومم خرده بورژواها شرایطی سبب آمد که میوان عریان تر صحبت کرد !

اما اسن آبرفته دیگر به حوی سرنمیگردد . ستمد حکومت بختبار خائن از همان اولس روز پسوسن کامل

روستا شان ال ک دست به کار زرگی زده اند. آنها زمنهای آما، واحدی خود را که مالک از سال ۲۲ و بویژه از سال ۴۱ بعد از زور غصب کرده بود، پس گرفته اند. آنها این زمینها را که حدود ۷۰۰ (۱۱) خواربدر می باشد، بطور دسته جمعی کس کرده و دسته جمعی از حاصل آن بهره خواهند گرفت. اس تیوه کاربیسار سارا فلانه آما با بد از روس کارای روستا شان مبارز و خرمدند درس بگیریم و شیوه کار آنها را برای خود نمونه قرار دهیم. حتی باید گفت کار اس روستا شان مبارز، تاریخی است. چون این عمل محسوب زیادی برای همه دهقانان ستمدیده ایران دارد. بسبب روستا شان ال ک چگونه به چنین دستاورد بزرگی نائل آمدند. ال ک و روستا شان آنرا بشناسیم!

الک:
الک دهکده ایست که حدود ۱۵۰ خانوار دارد و جمعیت آن حدوداً ۱۳۰۰ نفر است. از این ۱۵۰ خانوار، ۷۰ خانوار خوش نشین هستند، ۲۵ خانوار زمین کمی دارند و بقیه به قول معروف دستشان به دهانشان میرسد. حدوداً ندرده هفده سالی است که ده مدرسه دارد. لوله کشی در ده به طور ناقص انجام گرفته. چند سال پیش حمامی در آنجا ساخته اند که پس از چهارالی پنج ماه کار کردن ارسبی به حالت تعطیل درآمده. ده یک شرکت تعاونی دارد. این روستا که حدود هشت کیلومتر با جاساده کامیاران سندیج فاصله دارد در زمینی نسبتاً مسطح و سار حاصلخیز قرار گرفته. جاده آن خاکی است و ماشین این هشت کیلومتر را به علت خرابی جاده در شب از ده دقیقه میبیماید. ده اربابی است و زمینهای آن در اختیار بکی از زمینداران کردستان میباشد.

مالک ده:
مالک شخصی است به نام علیرضا سندیجی که به والی خان شهرت دارد. وی که مرد عباس و قمار بازی است از انسانیت بوفی نبرده و به هت و نسن روستا شان رحم نمیکند. او از دوستان نزدیک نصیری معدوم، اویسی فراری، فرغام، رئیس اسبق ژاندارمری کل کشور، نیازمند فرماده سابق ناحیه ژاندارمری کردستان، استانداران مختلف کردستان و کرمانشاهان و رؤسای ساواک این دو اسنان بوده است. او کاخی در املاک خود ساخته که مگوبند چند میلیون تومان خرج آن کرده و برای ساختن این کاخ از کار مجانی روستا شان استفاده کرده. این کاخ در تابستان محل تجمع سردمداران مملکت، خوانندگان و هنرپیشگان فلمهای فارسی بوده است. می گویند فرغام در همان هفته نخست تصدی ریاست ژاندارمری کل کشور به الک آمده و چند روزی مهمان این خونخوار بوده است. از مهمانان عظیم الشان!! اس خونخوار باید از مهستی زن بهرام پسر همین مالک، بیما بی و رضا بیک ایمان سوردی و دیگران نام برد. او هر ساله مبالغ زیادی از پول عرف جبین روستا شان را در قمارخانه های خارج تهران، و... می باخته. هرره گردی های این خون خوار در خارج و داخل زیانزد همگان است. از کارهای سس انسانهای والی خان ویران کردن دو دهکده مرم آباد و سید اسماعیل است.

صارع آباد:
جوانان ده چیزی از مرم آباد بیاد ندارند، اما پیران و ماسانلان نارها به این ده سرزده و در شادی و عزای اهالی مرم آباد شرکت کرده اند. و فنی اینان از مرم آباد یاد میکنند یک قطره اشک در گوشه چشمانشان می نشیند. آواره شدن اهالی اس روستا که قبل از سال ۱۳۳۹ توسط والی خان ویران شد، آنها را به یاد سنی می اندازد که قرنیه است بر روی دوس خود و پدران شان سنگینی میکند.

سید اسماعیل:
این روستا نیز همچون مرم آباد همسایه ال ک باشد. مالک در سال ۱۳۳۹ توسط آیدای خود خبردار شود که دولت ناچار است زمینها را به طریقی بسس رستا شان تقسیم کند. آنها به او خبر میدهند که هر عه مالکی میتواند بکده شادانگی برای خود نگه دد. محض آنکه این خبر به سداو میرسد اهالی ساسماعل را از ده بیرون میکند و خانه های آن را را تراکتور صاف کرده و به جاشان گندم منکاره. او این ترتیب تمام مرم آباد و سید اسماعیل و الرا به عنوان بکده شادانگی جا مزرد و بقیه ده خود را مفروشد. اهالی سید اسماعیل، که به

۱۱ - کل رمسها ۹۰۰ خروار بدر مساسدکه دویست خردان متعلق به روستا شان سد اسماعیل است. روستا اس دو روستا همه ۹۰۰ خروار را با هم کشرده اند.

با اس گزارش "هسته آرمان زحمتکشان" به مبارزه ای که تحت نام دیگری بدان دست میزد، ادامه میدهد. مادرشبه، این گزارش مدون چندتن از روستا شان مبارز، آگاه و فعال اس روستا هسبم. بکی اراس روستا شان مرم، که سواد خواندن و نوشتن نیز نداشت، اطلاعاتی بسن از دیگران در اختیار ما گذاشت. آنچه را که بصورت نقل قول خواهیم آورد، از این روستا ئی مرازاس. ما سخا طرداشتن چنین روستا شان آگاه، شدیداً فعال و مبارزی، بخود میسالیسم.

روباروشی مستقیم با مالک نابگری نکردن و مرغانه و سوراخه ندادن و شکایت وغیره. نخستین مبارزات چند دهه اخیر روستا شان برمیگردد به سالهای ۳۱ تا ۳۲. در این سالها، جبهه ملی که شصه ای در کامیاران ایجاد کرده بود، دست به تبلیغات وسیعی در میان روستا شان این منطقه میزند. مبلغین جبهه به روستا شان میگویند که دکتر مصدق سخاوه زمینها را از مالک ها بگیرد و بین دهقانان تقسیم کند. تعدادی از روستا شان ال ک به این امید که دکتر مصدق دست مالک شستکار را از روستا کوتاه کند به عفویب جبهه ملی در می آیند. این روستا شان به کمک سایر روستا شان مالک را، در هنگام او جگری جنبش، از ده بیرون میکنند. اما با سقوط مصدق مالک ظالم به ده برمیگردد. ابتدا کلیه روستا شان را به کنار استخر میبرد، آنها را توی استخر می اندازد و توسط مزدوران شبدت مضروبشان میزند. سپس شروع می کند به شناسایی روستا شان مبارز. هرکس که به قول روستا شان " کارت مصدق " داشته از روستا فرار میکند. بکی از مبارزینی که به خود جرات میدهد و به روستا شان می گوید " اگر قانون مصدق پیاده میشد، زمینها بین روستا شان تقسیم میشد " توسط مالک دستگیر و تحویل ژاندارمری میگردد. این روستا ئی مبارز در رابطه با عفویتش در جبهه ملی و مبارزاتش علیه مالک به هفت سال زندان محکوم میگردد. مالک در این سالها خانه های چندی از مبارزین روستا را توسط مزدوران خود غارت میکند، آنها را ویران میزند و روستا شان را از ده میراند. او پس از این تصفیه تمام زمینهای مرغوب را از روستا شان میگیرد.

مبارزه روستا شان پس از اصلاحات ارضی

مالک پس از اطلاع از تصمیم دولت در اصلاحات ارضی سید اسماعیل را ویران میکند و زمینهای آنرا در کنار زمینهای مرم آباد و الک زیر تراکتور می اندازد و به اصلاح مکانیزه میکند. به برکت این کشت مکانیزه روستا شان سید اسماعیل نیز همچون ساکنان مرم آباد آواره میشوند و زمینهای جدید اهالی الک نیز مورد تجاوز قرار میگیرد. مالک پس از غصب زمینها در سالهای بعد از ۳۲ روستا شان را به جانب کوهپایه ها و دامنه های نا مرغوب میراند. روستا شان بناچار روی زمینهای نامرغوب و غیبر حالمخیز به کار میپردازند و پس از مدتی آنها را آماده کشت میکنند. مالک زالومفت تصمیم میگیرد این زمینها را نیز از چنگ روستا شان بدر آورد. او برای این کار حدود نصف روستا شان را تطمیع میکند و به آنها میگوید اگر از حمایت کنند به آنها پول و زمین میدهد. عده ای از روستا شان به این ترتیب فریفته میشوند. مالک به زمینهای روستا شان دست درازی می کند. آنها مقاومت میکنند. در نتیجه این مقاومت روستا شان فریفته شده به روستا شان دیگر حملیه میکنند. از اسنجا درگیریها شروع میشود و از سال ۴۱ تا ۴۳ ادامه مییابد. در ضمن یکی از این درگیریها که چندین بار تکرار میشوند دوازده تن زخم بر میدارند. مالک به این بهانه ۲۶ روستا ئی را توسط ژاندارمها دستگیر میکند. این ۲۶ نفر هر کدام به سیزده روز زندان و پرداخت مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال جریمه محکوم میشوند. پس از این دعوا روستا شان که همه در اصل خوبانند هستند بطور یکسان سدمه میبینند. مالک بک سوم از زمینهای را که روستا شان بعد از غصب شدن زمین هایشان در کوهپایه ها آباد میکنند، میگیرد و به آنها حکم میکند که هرکس میخواهد بماند به نسبت تعداد اعضای خانواده از یک هزار تا یک هزار و پانصد تومان بدهد. آنها که ندارند باروبنه را میبچسند و راهی شهرها و روستاهای دیگر میشوند و آنها که نمیتوانند از روستای آباء و اجداد خود دل بکنند به هزار بدختی پول را تهیه میکنند و در اختیار مالک میگذارند. او مراتع ده را نیز غصب میکند. و آنها را درازا، سالیانه مبالغ هنگفتی در اختیار داداران کرمانشاهی قرار میدهد. این اعمال جشمان روستا شان قریب خورده را باز میکند. تعدادی از آنها شرمند از اعمال ناآگاهانه خود به جانب سایر روستا شان می آیند و همراه آنان به مبارزه با مالک می پردازند. تعدادی از روستا شان در سالهای ۴۶ - ۴۵ کشتی از والی خان تسلیم دادگستری کرده و بخاطر رسیدگی عادلانه بدان در ژاندارمری کامیاران

مبارزات روستا شان ال ک

دشمن اصلی اهالی ال ک مالک است. این مالک و اجدادش به کمک ژاندارمری و سایر ادارات دولتی خون اس روستا شان و اجداد آنها را در کاسه کرده اند. گرچه مالک را بشتنایی شدید و وسیع زاندا مری سایر ادارات دولتی برخوردار بوده ولی مردم رزمنده ال ک بکلظه از مبارزه با مالک غفلت نکرده اند. اس مبارزه بتا به شرایط و اوضاع عسارت سوده اسستاز

گزارشی از: مبارزات روستا شان رزمنده ال ک (نه لک) (هسته آرمان زحمتکشان)



روستا شان ال ک:

روستا شان ال ک بدلیل ستم شدید مالک اکثر ا فقیر هستند. آنها معمولاً سمبوتانند از طرق کارکشاورزی زندگی خود را تامین کنند. به همین جهت در سالهای قبل پس از شام شدن کارهای روستا، راهی شهرهای چون بندر عباس، آبادان، خرمشهر، تهران و... میشوند و به کارگری می برداختند. اینان در نتیجه این تماس از آگاهی طبقاتی زیادی برخوردارند. آنها در اس سفرها با روستا شان ستمدیده، زیادی برخورد کرده اند و از مبارزات آنها بر علیه مالک و ژاندارم آگاهی یافته اند. ولی منبع آگاهی اس روستا شان فقط رفت و آمد نا شهر نیست. در صا اس روستا شان درس خواندگانی وجود دارند که با مبارزین شهری در تماس هستند و در آگاه کردن و سازمان دادن آنان نقش فعالی دارند. ولی بطور کلی ساد منبع آگاهی اس روستا شان رزمنده را در مبارزات پیگیر آنان با مالک است.

مبارزات روستا شان ال ک

دشمن اصلی اهالی ال ک مالک است. این مالک و اجدادش به کمک ژاندارمری و سایر ادارات دولتی خون اس روستا شان و اجداد آنها را در کاسه کرده اند. گرچه مالک را بشتنایی شدید و وسیع زاندا مری سایر ادارات دولتی برخوردار بوده ولی مردم رزمنده ال ک بکلظه از مبارزه با مالک غفلت نکرده اند. اس مبارزه بتا به شرایط و اوضاع عسارت سوده اسستاز

منحن میخوند . ضمن ضمن یکی از گروهانان با نقشه فبلی بیوتی را در داخل پاسگاه آتش میزنند و روستا- ثیان را به خرابکاری متهم میسازد . در نتیجه ایس اتهام ژاندارنها سجان روستائیان می افتند . به آنها کتک مفضل میزنند و پس از اطاقهای دربسته جیب کرده و بداخل اطاقها آنها میسندند . روستائیان علیرغم این رفتارهای وحشانه دست از مبارزات خود برنمیدارند و از طریق عریضه نویسی و شکایات مبارزه خود ادامه میدهند . این مبارزات همچنان ادامه مییابد تا این که مبارزه خلقهای ایران علیه استبداد و امپریالیسم اوجی توده‌ای میگیرد .

● مبارزه اهالی الک در حین انقلاب :

تعدادی از جوانان آگاه ده به محض اوجگیری مبارزات مردم ایران و تظاهرات توده‌ای در قم (دیماه ۵۶) آنگار شروع به تبلیغات انقلابی میکنند . یکی از روستائیان از این مبارزات چنین یاد میکند : " هم زمان با تظاهرات شروع کردم به حرف زدن . ما به روستائیان گفتیم این شاه حاشی است و به دستکاری اوست که والی خان حون ما را منکد . ارهان ابتدا عده‌ای رنجیدند و ما ما در امانند . دندیم اگر بخواهد از همنا بن ما احلاف سافتد کارمان زار است . پس کار کردیم . به آن روستائیان نزدیک شدیم . برادرانه با آنها صحبت کردیم . از بسوادی و بدبختی خودمان و فرزندمان ، از آوارگی ما مان ، از کاج مالک ، از ششینی ها ، قماربازها و عیاشیهای او صحبت کردیم . روستائیان میگفتند : " ایبهانه شاه چه مربوط است ؟ " گفتیم : " مگر اسم ما مال شاه نیستن ؟ مگر ما مورین اداره ها مال شاه نیستن ؟ اینها که هستن ما را می خوردن و میبردن همه آدم شاه هستند . اینها که همیشه نما توهین میکنند آدم شاه هستند . " به روستائیان میگفتم : " مگر ما همه بنده خدا نیستیم ؟ مگر ما از صبح سحر با عربوچان نمیکشیم و عرب میبریم ؟ " می گفتند : " چرا " می گفتیم : " پس چرا ما حتی یک حمام ندارم ؟ چرا کفشها مان پارهس ؟ چرا اگر یک سرمای شدید بخوریم منمیریم ؟ چرا هیچکس برایمان اجزای ما فایل نیس ؟ چرا همه توی سرمان میزنند ؟ ولی والی خان بیش استنادارو رفیس ژاندارمری شاه در صدر مجلس می نشیند و دستور و بران کردن خانه های ما و آواره کردن ما را می دهد ... " خلاصه کار را بجایی رساندم که آنها ما را ماج کردند و دست به دستمان دادند . هم زمان با اینکار شروع کردم به از بنس بردن اختلافات بیسیس خانواده ها . آنها را که ما هم حرف می زدند ، آشنی دادیم . آنها که با هم حرده حساسی داشتند ، حرده حساسانمان را صاف کردیم . خلاصه انقلاب ایران بیسیس

● زحمتکشان الک : چرا به شکایات ما جواب ندادند ، اما به يك شکایت والی خان برای ما احضاریه آورده اند ؟

میرفتو ما هم پیش میرفتیم . رورهائی که در شهر نظاهرات بود می رفتیم شرکت می کردیم و بر می گشتیم آنرا برای اهالی ده تعریف می کردیم . بواسطه اس روابط مردم ما هم خوبند . ششینی ها شروع شد . امشب منزل من ، فردا شب منزل او و نه همین ترتیب . در این شبشینی ها اول بی بی سی گوس مدامم بعدش راجع به نظاهرات مردم ایران ، تظاهرات مردم کردستان ، زمین ، اسخر آنا ، حوس گدارانسای او و پسرهاین ، مرتع هایمان که آنها را به جمهور مصادد (۲) ، آوارگی های خودمان ، آوارگی اهالی سدا سماعیل و عسره صحبت میکردم . اگر کسی در اس شبشینی ها حاضر نمشد چند نافی بلندن منددم منرفیم خانه اس و نا او صحبت میکردم . از منافع مشترکمان ، از دردها مان ، از دستهای ترک حورده مان و از ظم های آقا برای او و صحبت میکردم . بعد از آن او را هم به شبشینی ها میکشاندیم . کم کم هر چندمانی از حاشیهای آقا همه در شبشینی ها حاضر نمشدند . کار به جایی رسید که همه ما هم قسم خوردیم که سه سه سه همدیگر بدهم و دیگر ریر نار ظم آقا و ستم ژاندارم و ما مور دولت سرویم . همه ما هم قسم خوردیم که نکوسم زمینهای ار دست

(۲) - مالکها مراتع را در اختیار دامسداران کرمانشاهی می گذارند و از آنها سالیانه مبلغی می -

رسمه خود را دوباره بس کشیم ... اقدامات عناصر آگاه و سب مبارزاتی مردم ده شمر میدهد . ژاندارم ها که با تهدید و تطمیع از روستا " حاوید شاه " کو جمع میکردند ، نمیتوانند مردم این آبادی را برای نظارها به نفع شاه نه شهرها بکشاند . آنها شینا وقتی در شهرها حاضر میشوند که نخواهند علیه شاه و مالک و هر خائن دیگری شعار بدهند . روستائیان در طی نظارها تیشتر و بهتر با فحایع ما مورین شاه و سی رحمی آنها آشنا میشوند . آشنایی آنها با مردم مبارز و یکپارچه " شهر سب میشود بیشتر به فکر فشرده نر کردن صفوف خود بیفتند . آنها در عمل بدرستی پی میبرند که اگر بخواهند ما مالک و ژاندارم در بیفتند باید کاملاً متحد باشند . فعالیتهای عناصر آگاه ، کسانی که " کارت مصدی " داشتند ، ششینی ها و شرکت در نظارها مردم شهر این اتحاد را مستحکم میکند .

● باز پس گرفتن زمینها :

این اتحاد و همستگی محکم در عمل به اثبات می رسد . پانزده روز بعد از سقوط بختیار (حدود هفتم اسفند ۵۷) مردم ده بطور یکپارچه بنها میحیرند و زمینهای خود را باز پس میگیرند .

در حفظ دستاوردهای انقلابی روستاهای مبارز الک بکوشیم !

" ... رن و مرد و کودک رحتم رو زمینها ، مطره ما شکوهی بود تا بزاکتوری که در ده بود و به والیخان تعلق داشت شروع کردیم به سم زدن زمین . هسور در اوایل کار بودیم که از اطراف رحمد به کمکمان ، روستائیان دهاب همسایه ما سور و هجان و سب تراکتورها خود آمدند . انگار جواب میدندسم تراکتورها روز اول را محاسی و امتحاناً کار کردند . آنها میخواهند رورهائی بعد نیر افتحاراً کار کنند . ما قبول نکردیم . و به هر کدام روزی صد تومان دادیم . بول تراکتورها را همه ما هم دادیم . از خانه های حوا خینها (۲) و همه جمع کردیم ... "

● شورا :

مردم آبادی در عمل پی میبرند که اگر نخواهند این زمینها را همچنان دسته جمعی نگه دارند باید یک شوری داشته باشند . " ... دیدم این مسود زمین کار دارد . مالک شکایت میکند تا به کسی حواسگوس باشد . از دهاب دیگر برای اعلام همستگی می آمدنایدکی با سدا آنا پندرای کند . این اسبکه گفتم ما به نک سورا احساج دارم . یک سبک جمع ندیم سوب سجد . صحبتهای رسادی کردیم . آخر سر قرار بند دوارده مغیره عنوان اعضای شورای ده انتخاب نشود . این دوازده نفر می - باشند از میان کسانی اسباصت سوبد که سابعه مبارزه ما مالک داشته باشند . ما از میان کسانی که درس خوانده بودند و مبارزه کرده بودند دو نفر و اریمان سارس ده نفر انتخاب کردیم . وقتی منخواستیم سجد را ترک کنیم ، دیدیم عدهای ملج میخواهد تا ما دعوا راه سمدارند . رفتم طو گفتم : " برادر آخه مگر ما جدا از شما سیم . مگر زمین فقط مال ما سب ، شما هم نائید نشبه سب ما بدهید . " گفتند : " شما میخواهد مال عر را عصب کنید . اس مسلمانی سب . گفتم : " سراس مسلمانی است که والی خان سب و سب ما را عارت کرده و ما را و س ما را به خاک سباه سباده . " خلاصه ما هر ار مکافات دعوا و حورسری حلوگری کردیم . اگر حون ار دعای کسی می آمد ، همه رحما ما به ناد میرفت . سوب ده دواره دودسکی می آمدند و والی خان به رن همه مان میجدد . اگر کسی از ما کسه سمد او فکر میکرد جدا نک سب ناره نس داده است ، اما حقه اش نکرف . ما از فردا سراج آنها رفتم و تعداد رسادی از آنها را هم به طرف سبود کشاندیم حالا آنها هم سربک ما هستند ...

توی زمینها خود کاشه ایم . نذر را دسته جمعی سهه کردیم . ما لکسی اسفاد که دند آتش حقه اس نکرف رفینه حو جیبا گفتم اسها زمین را و پسره زمین را بن خودمان عسب میکنم و حیری به شما سبدهند . نزدیک بود دوباره آبادی سبم بریرد . ولی ما بلافاصله اس نوطه کسف مالک را هم حسی کردیم . به حوجبها گفتم : " اول سهم شما را منددم . شما از همه سبسر رنج برده اند . " حالا حنبلی حوسسبال

گردد . روستائیان اس عمل را به " جمهوریدان " مگوبند . (۲) - حوس سشینی

هسم . صحبت ما هم کار نکسیم . تا حالا ار دهایی حون ماراب سرحم ، ورمیپک ، طابه ، دروبان علنا ، دروبان سفلی . سرآکام ، آهنگران ، ماویان ... به ده ما آمده و نا ما اعلام همسگی کرده اند . در یکی از رورهائی که از دهاب اطراف برای اعلام همسگی آمده بودند به ما گفتند سهر اسبکایتی هم به سهر بدهیم . دندم راست میگوسد . برداسم سکایتی برای دادگستری نوشتم . فکر کردم حالا که حکومت آبادی مان استرود به کارها مان رسدگی میکند . سکا با و ل حواسی نداشت ، دومی را سوستم ، آسبم بی حواب ماند .



سومی وجهارمی و ... خلاصه خیری سوبد . گفتم حمال ملکسی ما حاسبده و هرچ مورج اسب . اسطوری شده . اداره ها که مطم سبود کارمان درست مسود . در اس حبال سوبدم که دیدیم از شهر احصاره آوردند که سله ، والی خان ارما شکایت کرده . تعمت کردیم . حطور سدا سبمه سکا بت مارا حواب دادند ولی همینکه اوبک

● دهقانان مبارز !

سکایت سوبس احضاربه آوردند ؟ نکه ما مورین همائ ما مورین هستند . ششغری ار اعمای سورای ده سلسد مسوبد ، میروند سهر . می بسند سله آس همان آس است و کاسه همان کاسه ... "

حالا اهالی الک به همان ترتیب که گفتیم روی زمین های خودشان مشغول کارند . آنها زمینها را تقسیم نکرده اند تا اتحاد و همبستگی شان لطمه نیبند . ما باید از اس دهقانان مبارز درسهای زیادی بگیریم . این درسها را بنیتوا نیم اینطور دسته بندی کنیم :

- ۱- مالکها و نجام کسانیکه با آنها کمک میکنند ، دشمن همه دهقانان هستند .
- ۲- در این مرحله زمینش همه روستائیان منافع مشترکتی دارند و باید مشترکاً از این منافع دفاع کنند .
- ۳- شرکت فعال در مبارزات خلقها سبب میشود که انسان زودتر راه حل مشکلات خود را پیدا کند و حتی در بعضی موارد مثل این مورد الک - الگوهای قابل پیروی برای دیگران کشف کند .
- ۴- روستائیان که از طرف مالک تحریک میشود باید برادرانه رفتار و بر خورده کرد . فکر کنید که اگر اهالی الک در شب تشکیل شورا ما قلاتنه با دوستان و خویشاوندان قریب خورده خود بر خورند نمیگردند ، چه فاجعه شئی پیش می آمد .
- ۵- برای رسبدن به هدف با بدقدمات کار را ارقبل فراهم کرد . مثلاً اهالی الک که از قبل تصمیم گرفته بودند متحداً علیه مالک بر خیزند و زمینهای خود را از او پس بگیرند ، ابتدا اختلافات موجود در میان خود را حل کردند
- ۶- پیوند دادن مبارزات شهر و روستا از اهمیت زیادی بر خود را است . روستائیان ضمن شرکت در مبارزات مردم شهر فوائد زیادی میبرند . اهالی الک اگر در مبارزات مردم شهر شرکت نمیگردند ، شهریان مبارز را بخوبی نمی شناسند ، نمیدانند که ژاندارم همان اندازه که دشمن آنهاست ، دشمن شهریان مبارز نیز هست . نمی دانستند که ژاندارم ما مور تقسیم شاه و دولت است و اینها هستند که از مالک حمایت میکنند . آنها اگر در اس مبارزات شرکت نمیگردند ، معنی اتحاد را بخوبی دره نمیگردند . به سخن همان روستائی توجه کنند :
- " ... نکورر ژاندارنها و اساسا سهر رنجند سوبی جماعه اول کتک رسد و سدا کار اسک آورا سدا حسد . سب آخر سرانداری کردند . همه رحتم نوکوجه ما . دل سوبدین سوبد . همه درهسا سسته سوبد . جنسها سب حائی را سبند . یک هوک دربار سدا . انگار دندا را سب دادند . بردم سوبکار کردم سبها سبم ، اما حاه سب سوبدارم . حدر حوسبال ندیم . در کسا آنها اسب اس را حنی کردم رن ما ححانه به ما هاب داد . کم کم حالم حاتم . برسم رنج . ما ما هم سوبدم . اس حلی حوب سوب . تا حالا حس وضعی سدا کرده سوبم ... " او دراهامه سخنان سوبد میگوید : " ... آسوف سب سوبدم که ما هم سوبد ححوب است . اتحاد حعدرلارم اسب . بی سوبدم که من ححیرها را سمدام . مالک کاری کرده سوبدم که ما کورو سبندار سائیم و اس حیرها را سبهمیم . من ساسیران رو کردم صحبت کردن . من اس حصنها بی سوبدم درده "

اوضاع عمومی:

"بندر" حرمشهر بطور کلی از دو بخش تشکیل میشود. بخش اول: که کارس نخله کالاهاست. این بخش به وسله شرکت "اسبو دورینگ" اداره میشود. این شرکت حدود ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد که به شدت نرس وجبی استعمار میشوند ولی از آنجا شکه اکثر کارگران از دهقانان رانده شده از دهاب هستند از آگاهی طبقاتی ناچیری برخوردارند. و اغلب آنها با سن کم استخدام میشوند. کارگران در محیط کار هیچ نوع وسائل رفاهی و ایمنی ندارند. همس سن که بگوئیم در داخل انبار کشتی که درجه طوبیت هوا و سردرجه میشود.

گزارشی از: "بندر خرمشهر"

اند، که با شرایطی سخت و طاقت فرسا مشغول بکارند. آنها روری ۱۲ ساعت کار اجباری (جرا که حقوق آنها ساعت کار یعنی ۲۷۲ تا ۵۸۳ ریال به هجوجه کفایت نمیکند) حقوقی معادل ۱۷۰۰ - ۱۸۰۰ تومان در ماه دریافت میدارند. که این حتی کفایت مخارج اولیسه زندگیشان را نمیدهد. وضعیت معاش کارگران در سطح سراسر باثبیتی قرار دارد و ضمنا در محیط کار هم وسائل ایمنی وجود ندارد.

اخبار کارگری

اغلب کارگران به "سل" مبتلا شده اند

به چند نمونه اشاره میکنم: کارگران مجبورند مقدار زیادی مواد شیمیایی حمل کنند که برای سلامیشان زیان آور است، و برای جلوگیری از مسمومیت احتیاج به ماسکهای مخصوصی دارند ولی شرکت هیچگاه از رفع این مسئله قدمی برداشته در نتیجه کارگران دستمالهایی میبندند که نه تنها از مسمومت جلوگیری نمیکند بلکه غیر بهداشتی بودن خود دستمال باعث تسریع بیماری میگردد بطوریکه اکنون اغلب کارگران به "سل" مبتلا شده اند. ویسا نمونه دیگر که بدلیل برمز نداشتن جرثقیل، سگ کارگر به هلاکت رسیده. در صورتیکه در آمد بندر - سا به آمار دولتی و تاکید آژانس خوشنام - در حضور کارگران - و ناهز در زمانیکه اسکلهای دیگر سیکار است، وروانه حدود ۱۰ میلیون تومان است. حال خود قضاوت کنید موفتیکه دیگر اسکله ها هم بکار امنند چه درآمد سرسام آوری خواهند داشت. لکن علیرغم این درآمد کلان بازم کارگران از حداقل وسائل ایمنی برخوردار نیستند. وسائل رفاهی بسکت! کارگران این شرکت هم پسمای بوده و هیچگونه تضمینی برای آینده خود ندارند. از این رو رسمی شدن خواست بمرمی است که بی توجهی مقامات مسئول و دولت موفت بسدان، اعتماد باخیرشان را سبب شده است.

حرارت به میزان غیرقابل تحملی بالاساین کارگران مجبورند که آب آشامیدنی خود را به وسله نظلی که از نالی کشتی به وسله طناب داخل انبار فرستاده میشود، بخورند. از لحاظ وسائل ایمنی نیز هیچ موردی را نمیتوان نامید که در آن کوچکترین وسلی و ابتدائی ترین نکات ایمنی رعایت شده باشد. کارگران شرکت "اسبو دورینگ" از لحاظ درمانی نیز و تسع اسفباری دارند. بطور مثال دو نفر از کارگرسران بندر که دوسال پیش کمشان آب آورده بود بعد از مدتها که در حرمشهر و آبادان سردوانده شدند، اصلا به کوشش سندیکی "ایران ترسیمال" به نهران فرستاده شدند که دیگر قابل درمان نبودند. کارگران این شرکت در ارای روری ۱۲ ساعت طاقت فرسا سنس ارای ۲۷ تا ۳۵ تومان حقوق نمیکسردند و ضمنا "پسمای" هم هستند. سعی کوچکترین نامس شعلی هم برایشان وجود ندارد. مدرعامل ملی شرکت در حران حسن احصا کرده ها فرا کرد است. و از طرف دولت جمهوری اسلامی شخصی نام رسولی وظایف مدرعامل ضد کارگر صلی را خلا و به نحو احسن انجام میدهد! البته لازم به تذکر است که آقای رسولی قلا هم در صحنای مدرعاملی "کت" ایران سرعت (شرکت حمل و نقل وابسته به سازمان برادر شاه سابق) و مدرعاملی شرکت ایران ناسیومال، توانسته خدماتی برای ارتار بملوی انجام دهد.

چگونگی تشکیل سندیکا

در گذشته و همچون دیگر محط های کارگری، سندیکائی فرما بینی شما پدگی کارگران زمینکنش را در اختیار داشت. و کارگران اغلب از آن بسوان سندیکای مدکارگری نادمیگردند، که درحران اوج گیری مبارزات توده های رحمتکش ازهم باشند، بودری آن، کارگران آگاه و مبارز، با پیشیناسی اکثریت کارگرسران مبارزاتی را برای گرفتن حق شیفت نشانه که معادل ۱۰٪ حقوق بود، آغاز کردند. و درهمس ماه نومسنداسن حواسنه حق خود را به کارفرمای رالوصف نخواستند. و دانشناس با پیگیری مبارزه خود، با دادن و بندی راهم از جنگ کارفرما برداریدند. درحران این مبارزات، اولا کارگران سنس ارایش به لروم وحدت و مبارزه برای احقاق حق خودی بردند، ناسا به کارگران مبارزی که رهبری مبارزات را در این مدت دست داشتند، اعتماد دکردند. چه این کارگران همه توان خود را در حدت بیشترا هدف کارگری گذاسه بودند. کارگران مذکور تا عشار این سنوانه بوده ای توانسند "هشت موس" سندیکای کارکسان" ایران ترسیمال را تشکیل دهند. دراسمد ماه انتخابات سندیکا انجام شد و کارگران شما سندگان شان را انتخاب نموده و درمورد سن ماه ۵۸ شرکت را وادار کردند تا مکانی را برای فعالنشان شان در اختیار کارگران براردهد. اراس سن سندیکا بطور رسمی به فعالیت پرداخت.

مبارزات سندیکا

سندیکا مبارزه خود را با اعلام خواست "رسمی شدن" کارگران بسمانی و همچنین "قطع بند بینا کاران رالوصف" که صمنا ارتباط لاینفکی باهم دارند، شروع کردند. سما سدگان برای احقاق خواسته ها، نامه های بدولت نوشند که اولی در تاریخ ۵۷/۱۲/۱۸ به مدیرعامل سازمان بنا ادر (قوام) بود. ولی از طرف موام حوایی تا آن داده نند. در نامه بندی که برای نخست وزیر، وزیر کار، و وزیر راه و تراری وحسرت آبت الله طالغانی فرستادند، اسکله اقدامات و حواسنه ای شرح خود را در زمان دادند ولی این نامه هم بدون جواب ماند. در این بران عده ای از کارگران آننش

گزارش تخمین شرکت "ویلیام برادرز" ۵۸/۳/۲۶

شرکت آمریکائی الاصل "ویلیام برادرز" با سرمایه آمریکائی، یکی از شرکت های عظیمی است که عمدتاً در کشورهای خاورمیانه و آفریقا بصورت کنتراچی کار میکند. مثل کشورهای ایران، عراق، ایالات متحده عربی - عربستان سعودی - لیبی - مصر - آفریقای جنوبی الجزایر و یونان کشور دیگر. عده فعالیت این شرکت در بخشها - ساختمانی و لوله کشی است. بخش ایران این شرکت در آغاز فعالیت های در کارهای ساختمانی قسمتهای مختلف ارتش انجام میداده که بعد امد تا به کارهای عظیم لوله کشی مشغول بوده است از جمله این کنتراچها، میتوان از گشمنی نیسی از شاه لوله گاز ایران - شوروی نام برد که نیم دیگرش توسط خود شوروی کشیده شده است.

بخش داخل این شرکت بعد از انقلاب توسط نماینده کارفرما "رضالهی نیا" تعطیل گردیده است. کارگسران اخراجی شرکت مذکور که بین ۶۰۰ - ۷۰۰ نفر میباشند. پس از چند بار مراجعه به دفتر شرکت، خواهان پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و یا پرداخت نموده خود میشوند که مواجه بایی اعتراضی و مخالفت نماینده کارفرما که همه کاره شرکت است میشوند. از اینرو کارفرمای مذکور در دستگیریه غنیمت میگیرند تا روزهیکه خواسته هایشان برآورده شود. خواسته های کارگران اخراجی شرکت به شرح زیر است:

- ۱- بازگشت کلیه کارگران پس از اسفشان ۲۰ - ۲۰ - ۳- پرداخت بیمه (قابل تذکر است که هیچیک از کارگران دفترچه بیمه ندارند) - ۴- حق مسکن و خوار و بار - ۵- حق اخراجی سالی ۲ ماه - ۶- عیدی سکنی ۶۰ روز - ۷- ۱۵ روز کارایی - ۸- پرداخت خسارت به کسانی که طی سانحه ای نقص عضو پیدا کرده اند. - ۹- دریافت روزی چهار ساعت اضافه کار پرداخت نشده. - ۱۰- دریافت سه هفته روزهای تعطیل. - ۱۱- حق ترانسپورت (سرویس) ۴۰ تومان برای هرنفر.

بر طبق توافق که بین کارگران نماینده کارفرما "رضالهی نیا" در حضور نماینده کمیته امام "طلحیچان" منطبق ۶ رتاریخ ۵۸/۳/۲۶ صورت میگردد، نماینده شرکت تعهد میکند که در ظرف مدت ه روزه وضع کارگران رسیدگی بکنند و کمیته امام نیز واسطه شده در قبال آزادی کارفرما، تعهد میشود که در صورت عدم رسیدگی کارفرما، مشخصات و ادرس محل زندگی نماینده کارفرما را در اختیار کارگران گذاشته و جهت بازداشت نماینده کارفرما و احقاق حقوق آنان، کارگران را یاری کند.

ولی مهلت رسیدگی به خواسته های کارگران که از روز ۳/۲/۵۸ تا روزه ۳/۳/۵۸ بود بسر آمد و هیچ گونه اقدامی از طرف نماینده کارفرما صورت نگرفت. در نتیجه کارگران که تا آن زمان بطور پوراکننده در شرکت متحصن شده بودند، بصورت متشکل تریه تخمین خود ادا مه دهند و طی قطعنامه ای که خواسته های خود را در آن درج کرده بودند اعلام میکنند که تا احقاق حقوق حقه خود به تخمین ادا مه خواهند داد. و از دولت می خواهند که در جهت رسیدن به خواسته هایشان، آنها را باری کند و ضمن اذ ولت می خواهند که از آنجا تیکه شرکت مزبور مبلغ موجودی قابل توجهی در شرکت برای نفع قسمت مهندسی ساختمان دارد، اقدام عاجل به عمل آورند تا از استرداد آن مبلغ به شرکت تاروشن شدن وضع کارگران خود - داری کند. طی مدت تخمین کارگران هیچگونه اقدامی نه از طرف نماینده کارفرما، نه از طرف کمیته امام منطقه ۶ و نه از طرف دولت وقت، در جهت رسیدگی به خواست کارگسران صورت نگرفته است و کارگران در ضمن شرکت همچنان به تخمین خود ادا مه میدهند. وضع اقتصادی کارگران بسیار خراب است و در رینج شنه گذشته عده ای از آنان جهت تهیه پول و غذا برای متحصنین از تخمین خارج میشوند. کارگران عمدتاً شهرستانی و خانواد هایشان در شهرستانها زندگی میکنند که دوری از خانواد ه خود عامل تضعیف کننده روحی آنها است. میزان آگاهی کارگران و سواد سیاسی آنها بسیار کم است. عده کارگران را مردان سالخورده تشکیل میدهند. در طول مدت تخمین کارگران از طریق قرض از بیک یگرا مورات خود را می گذرانند. نماینده کارگران تا مساهمایی بی گنا نمایندگان کارگران بیگنا ساختمانی و تأسیساتی در خانه کار گرفته اند همچنین با تخمین دفتری و فرار است که از انانال آنها اقدامی انجام پذیرد. کارگران تا روزه ۳/۲/۵۸ همچنان به تخمین خود ادا مه میدهند.

این تخمین در ضمن داشتن نکات بسیار مثبت، به نظر ما دارای دو نقص عمده است که میتواند در نتیجه گیری از تخمین تاثیر سویی داشته باشد. ۱- این عمل که کارگران برای گرفتن حقوق خود به مراجع گوناگون و به انواع شیوه ها متوسل شدند، اقدام مفیدی است و در حل مشکلات میتواند کمک کند. ۱۰ صفحه ۲۰

● سرمایه داران و عوامل مزدورشان بر علیه کارگران مبارز توطئه می‌چینند

● سندیکی انقلابی بر ویرانه‌های سندیکی فرمایشی برپا می‌شود

● کارگران به قدرت سازمان یافته خود پی می‌برند

● کارگران ایران ترمینال "متحدآبیا می‌خیزند"

ارسانندگان را می‌کنند که خوشختانه موفی نمی‌شوند. و با کتک کاری کارگرانی که اعلام‌های سندیکار را در سطح شهر بیخ می‌کردند.

دولت موقت پشتیبان کیست؟

کارگران می‌رسند: چه کسانی از انعام برای برسی شد ما، غیر از سرمایه داران مفتخور، چون "ناک سیم" و غیره ضرر می‌بینند؟ مسئولینی که ادعا می‌کنند از اعتصاب کارگران منصرف شده‌اند، چرا این مطلب نوجه می‌کنند که ۲۲ روز اعتصاب کارگران طی گفته خودشان معادل ۲۵۰ میلیون تومان (تقریباً) زیان وارد می‌کنند که معادل پنج ماه حقوق کارگران است. پس چرا جای اینکه خواست کارگران رسیدگی کرده ناآنها چرخ اقتصاد مملکت را سواره اندازد، به سرمایه داران کمک کرده و امتنا ریمیدهند؟ با از آنها در مقابل کارگران پشتیبانی می‌کنند؟ چرا مانع از آن می‌شوند که کارگران دست‌ان لاشخوران را از سرخود کوتاه کنند و قوانین و ضوابط انقلابی و مترقی را اجرا نکنند؟ فواید و ضوابط بوسیله و فداکاری زکری گدشد؟ بی‌بینیم یا س این سئوال را چه می‌دهند؟ در مذاکره‌ای که کارگران از تهران آمدند، استاندار

پایداری، برای رسمی شدن و جلوگیری از اخراج، نا آخرین قطره خونمان

نامه سرگماده کارگران پیمانی کارخانجات هخامنش خطاب به فرمانده مسجد سلیمان

ما همه کارگران روز مزد کارخانجات هخامنش بعد از حداقل ۲۸ ماه سابقه کار در کارخانه الان در معرض اخراج در بدی قرار گرفته‌ایم. از طرف کارفرما یعنی ارتش) به ما اخطار شد که تا آخر خرداد ماه همگی ما را از کارخانه اخراج خواهند نمود. و هیچ مزایایی از جمله حق اخراج دو ماه تعلق نخواهد گرفت. آیا این است وجه و ثمره انقلاب برای ما کارگران زحمتکش؟ بعد از انقلاب ما کارگران که با شوق زیاد چشم امید به اقدامات شما و سایر مقامات دولت دوخته بودیم و اکنون می‌بینیم که برخلاف تصورات ما زور و ظلم به ما بیشتر از گذشته وارد میشود. آیا هیچ شما و کارفرمایان به این فکر افتاده‌اید که هر کدام از ما که دارای چند سر عائله و خرج و مخارج زیاد هستیم زندگی خود را چگونه باید تأمین کنیم. بخصوص که در این شرایط که بیکاری روز بروز زیادتر شده و امکان گرفتن کار دوماه تا ممکن است. آیا اخراج ما و تأیید شما به این اخراج، به معنی گرسنگی و از بین بردن ما نخواهد بود؟ کارفرما به ما می‌گوید که هر کاری که می‌خواهید بکنید، اگر می‌خواهید کارخانه را به آتش بکشید و... آقای فرماندار ما بنیاد کنندگان دنیا هستیم، ما کارگران دنیا را آباد می‌کنیم، ما سازندگان تمام ما نیاز و نعمتهای جهان ما هستیم، آیا ما خراب کننده‌ایم یا کارفرما که می‌خواهد ما را خرابکاری به ما بزند؟ حال برای آخرین بار همگی ما کارگران که در معرض اخراج هستیم خودمان و خانواده‌هایمان محکم دست به دست هم داده و با هم عهد بستیم که برای گرفتن حقمان (یعنی جلوگیری از اخراج و رسمی شدن) تا آخرین قطره خونمان پایداری کرده و مقابل ظلم و زور کارفرما و طرفدارانش عقب نشینی نمی‌کنیم.

کارگران روز مزد کارخانجات تانک سازی هخامنش مسجد سلیمان

۵۸/۳/۲۴

هموطنان مبارز!

کتمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران، تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر-آباد جنوبی سابق) واریز نمایید.

نشانی بندر که حرو کارگران ایران ترمینال" بودند، طی نامه‌ای از رئیس جدید اداره سندر، آقای فتحعلی دیده‌ور* خواستند که در مورد رسمی شدنشان اقدام کند.

آقای دیده ورد جواب کارکنان آنس نشانی، ضمن اینکه ما را آورده بود که آنها هیچ نوع رابطه استخدا می با این اداره ندارند، از کارگران خواسته بود که دیگر نامه‌های اراس فیصل برانسی ارسال ندارند، که مواجبات سوه تفاهم پیش برساند! اس جوابه نه کارگران قهقاند که باجه کتک کاری طرف هستند، و منطبق اسان چیست و دیگر با روشهای از قبیل نامه نگاری کارکنش مسرود، در ضمن آبت الله شمرحافاسی از حواسهای برخی کارگران پشتیبانی کرده بود و در تاریخ ۵۸/۲/۱۵ نیز با رنگر اعلام پشتیبانی کرد و قول داد که درگرمس حق کارگران تا آنان کتمکهای لازم را رسانا بد. ولی همانطور که پیش سنتی میشد، از اسنا هم خری سد و سرانجام حواسی از جانب آقای مهندس قوام مدر عامل سازمان سادر و کشتنرانی در تاریخ ۲/۱۶ نسبت کارگران رسد که در آن گفته شده بود "ایران ترمینال" زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی اداره خواهد شد. با همان پوشدگی و نامفهومی فعل، یعنی بدون اینکه حرفی در مورد خواست اساسی کارگران، یعنی رسمی شدن زده باشد. کارگری میگفت: "خیال می‌کنند ما دسته کورها طرفند. ما ننگه بیما نکار شخصی بود، لااقل میبوانستیم رودروی اوابستیم ولی حالا علاوه بر اینکه متکلمان راحل نکرده، میخواندند و وضعمان را بدتر هم کنند. آخر اگر کسی از ما نکار که حالا اداره "کارمخواهدشود، شکایت با نام سفیرا رخودش به کجا میبوانم مراجعه کنم؟!"

توطئه گران رسوا می‌شوند

با توجه به نامه آقای دیده ورونما، آقای قوام و با توجه با نامه کارگران دیگر فهمیده بودند که ما کارفرما به صورت ساند رفتار کرد، در تاریخ ۵۸/۲/۲۷ دست به اعتصاب زدند و قاطعانه اعلام کردند که تا تحقق حواسها پیشان مبارزه را ادامه خواهند داد. در طی مدت قبل بعد از اعتصاب، سرمایه داران سعی کرده اند که بطرق مختلف سنگ در راه تشکل و یکپارچگی و احقاق حقوق کارگران انداخته و در میان کارگران تفرقه بیندازند که در هر سار با هوشیاری کارگران تا کام مانده اند. مثلا:

۱- در حین اعتصاب، کارکنان کارخانجات با مسئولین اداره بندر و فرما تدار داشته اند، یکی از مسئولین عنوان می‌کنند که اداره بندر میخواهد عده‌ای را از زنتست کرده و تعدادی از کارگران ایران ترمینال را استخدام کند. بخوان آنها را بخرد - اس حرکت مسئولین با مخالفت سنده کارگران آگاه اعتصابی روبروش.

۲- سها مداران و صاحبان شرکت "ایران ترمینال" که همان سها مداران عمده شرکت "سی‌من‌پاک" هستند، اعلام کردند که هیواد هندوسال این شرکت را به بیجا نه اسکمه متعلق به شرکت سی من پاک است، بخارج بفرستند، که کارگران اطلاع پیدا کردند و طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۵۸/۲/۲۳ از فرمانداری خرمشهر خواستند که جلوی اس عمل گرفته شود، چرا که ما سس آلاب از دسرج آنها تهیه شده اس و آنرا جزئی از اموال ملت ایران میدانند. حسب این ما شیلات به ۲۵۰ میلیون تومان میرسد.

۳- چند نفر از کارگران به تحریک و تشویق عوامل مرتجع و وابسته به ما کارفرما اعلامیه‌ای جعلی از طرف کارگران اعتصابی صادر کرده و طی آن اعلام کردند که اعتصاب ما غلط است و ما اعتصاب نکرده‌اس. و نیز خواستار دستگیری و محاکمه نمایندگان شده بودند ولی در اینجا نیز با هوشیاری کارگران روبروشدند و توطئه‌ها ن عقیم ماند. و یکی از نمایین آین توطئه شناخته و در محروکارگران ایران زندان کرد، و سدیکا هم اعلامیه‌ای در این رابطه و در جواب اعلامیه فد کارگری صوی انتشار داد.

۴- گروهی از مرجمی سبیز زیر پوشش دفاع از اسلام و با اسم "گروه نصر" تبلیغات وسیعی را مبتنی بر فدا انقلابی بسود کارگران زحمتکن شروع کرده و و صاحب را سدا نجا کشته اند که حکم اعدام کارگران زحمتکش را که سالها بر سارستم و زور کارفرما و سرمایه داران ز الوصفت بوده اند، صادر میکنند، و حتی در جمعی در کمرستان شهر، حواس را اعدام یکی از کارگران که سابقه درختان مباررانی او بر تمام کارگران روشی استه می‌شوند. و بعد ما سب فمدحان دوتن

* فتحعلی دیده ورونما و کارکنان و فادار ساه سابق بود او از پیمانی بودن کارگران سدر سو استفاده کرده و با تهدید ما حراج، آنها را وادار مساح که همان سدهس گرفته و به محال با نظر هر کسندگان به حاسا سار سوند، که کارگران در مقابل اس حواس مداسایی دیده ورسندا مقاومت کردند.

حوزستان داشته اند، ایشان در توجوه عدم استخدا مورسمی کردن کارگران معفرمانند که: "اگر بحواسم استخدا کنیم، مساله نه ۲/۵ میلیون کارگر سرتا سربان برمی‌گردد و نه صرفا ما...! ناخدا خوشنام (بارس و سیژه اساندار) نیر که به ساندنگی زئیرال مدسی با کار- گران گمنگو سندر، بر روی اس سالت با کمندیشتری داشت ناند ساسر آفان کتک که اگر از نظر شما مشارقت فرما و ساداشن کوچکتس صمصن معاش برای ملسویسا کارکمیسر، و قطع ند وکونا ه کردن دست یک اقلیت غیر ممکن اس؟ از نظر سوده‌های عظیم کارگران و رحمتکشان، فشار باین اقلیت اگرچه از همه اسرا رواسا سرکوب بر - خود را رسانند، نه تنها کاری ندارد، بلکه حتی ساروب کردنشان سیرکمنکانه و مایاره مستکل کارگران کاملا مسرات، ولی کارگران در مقابل همه اسن کارشمنکس، توطئه ها و فریبها، مصمانه با اعتصاب خود ادامه دادند، تا زمانی که ماجرای غم انگیز حرمشهر، سدهس بقای ارتجاع و امپریالیسم رخ داد که آتن آن داس کارگران سار "ایران ترمینال" راهم. که در تمام اسن دوره موردتعام همبسن عتا مرفقار داشتند. گرفت. اسن حادشه اگرچه ادامه اعتصاب کارگران از غریمکس سدهس منتهی کارگران محصه های دیگری از تنش افروزی همان سدهس نام فسم خورده خلیج زحمتکش را تحریه کردند. آنها با ردیگر ساسن سنجیده رسدند که همان صاحبان زروسیم، همان زورگوسان، زمندانان و سرمایه داران، دشمنان فسم خورده خلمها- چه عرب و چه فارس- و طبعا رحمتکس، کارگران، دهفانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا سند. اسن افروزیها ضمنا اعتصاب کارگران راهم با مشکلات بزرگی روبرو ساخت و سرانجام سس از ۱۵ روز اغتشاش در خرمشهر و سس از حدود یکماه اعتصاب، کارگران بطور موقت وبدون اسکمه به حواسهای اساسی خود برسد، به سرکار برگشتند.

توضیح دولت موقت با اصطلاح انقلابی در مقابل خواسته‌های حق طلبانه کارگران

استخدام و رسمی شدن از اسنادی ترین حقوق کارگران است و حدی طبیعی است که مقامات مشول بهیچوجه و در تمام اسن مدت نتوانا سند مریحا آنرا رد کنند. در عرض آنها سعی کردند که با توطئه سکوت در مقابل اسن حق و نیاز طبیعی کارگران ساستند. دولت موقت اگرچه انقلابی بود، هرچه سریعتر میبایست روابط موجود میان زحمتکشان شهر و روستا و زالوصفتان و مفتخوران را تفسیر میداد، و یا حداقل قدمی در جهت آن بر میداشت، مبیایست در کنترل کارگران بر مورسولید، دشمنان را از مزنگذاشت و مصا دره زمین توسط دهفانان را سید برفت. تا اسن طرق قدمی در جهت منافع رسجیده ترین اقشار و طبقات بر میداشت. طبقاتی که علیرغم نقش اولیشان در تولید، فاقد هرگونه امتناز و امکانی در جاسه هستند. ما هبت بیما نکارنا زامیل شرکت "ایران ترمینال" بر کسی پوشیده نیست. اسن شرکتها که جز واسطی و دلالتی هیچ نقشی سدا رسد، در رژیم گذشته با اسجاد مناسبات نزدیکی با اسرا روزندگان شاه سابق از اینجین کسرتناهای سودهای کلان و سرتاری می‌بردند، و حال هیچ تنغیری در اسن روابط علیرغم انقلاب خونسا رتوده‌ها صورت نگرفته اس. مفتخوران کماکان بر جای خود ستانند و رحمتکشان در فقر و رنج دس ویا می‌برند. دولت موقت در طی اسن دوره، عملکردی جز اسقای روابط و مناسبات غارتگرانه سابق نداشتند است و نه سنها هیچگونه تنغیری در اسن مناسبات ایجاد نکرده اس، حتی دست استمداد سمسنت همان زالوصفتان فراری بلنده کرده و از آنها خواسته که بر سر کار خود سرگردند و کماکان به بهره‌کشی وحشیانه خود از کارگران ادامه دهد و در عوض دولت موقت انقلابی!! صمانت کرده اس که حان و مال آنها زهرگونه آسند و سرتضیی در اسن خواهد بود.

بدین ترتیب، علیرغم انتقال قدرت سیاسی از دست حکام سابق، هیچگونه تفسیر و دگرگونی اساسی در روابط و مناسبات تولیدی که منضم نامین منافع واقعی کارگران و زحمتکشان میهن ما باشد، انجام نگرفته است و دولت در برابر افادامات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایسنا دگی میکند.

ولی همه اسنها بان معنا نیست که نمی‌توان دولت و کارفرمایان را مجبور به قبول اسن فیصل خواسته‌ها کرد. اما راه مقابله با اسن وضع، راه اعمال فشار به دولت سرمایه داری و سرمایه داران برای بدست آوردن حقوق عادلانه، تشکل و اتحاد است. ما در آینده راجع به چگونگی و کم و کساف اسن تشکل کارگری صحبت خواهیم کرد.

